

نگاه **احمد سنینی**؛ تاریخ‌پژوه

هویدا از چه روی آمد و چرا رفت؟

او که خود را «چاکر» می خواند!

«در تابستان ۱۲۵۶.ش احساس کردم، مشکلات تازه‌ای در پیش دارم و برخی تغییرات سیاسی ضرورت دارد. هویدا از سال ۱۳۴۳.ش نخست‌وزیر بود و دوران زمامداری او، از همه نخست‌وزیران دیگر قبل از او طولانی‌تر شده بود. وی نیز با استعداد و هوشمندی خاص خود، احساس می کرد که دوران زمامداری‌اش طولانی شده‌است. هنگامی که از او خواستم استعفا کند، با نوعی آرامش خاطر به من گفـت: هیچ نخست‌وزیری نباید بیش از ۵سال به کار ادامه دهد…»؛ آنچه در فوق آمد، گوشه‌ای از اظهار نظر رسمی محمدرضا پهلوی، درباب استعفای امیرعباس هویداست. اما به واقع، این رجل سیاسی دوره پهلوی دوم، چگونه به عرصه سیاست آمد و از چه روی رفت؟ شاید آنچه رضا سردی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، در این باب نگاهشده، بتواند پاسخی به پرسش فوق آمده باشد: «تفکر محمدرضا پهلوی از دهه ۳۰ تا ۱۰و پسین لحظاتی که پای او بر خاک ایران بود، با تکروری و فردمحوری پیوندی عمیق یافته بود. تفکر او این بود که نخست‌وزیر هر چه مطیع‌تر بهتر، مجلس هر چه مطیع‌تر بهتر! هویدا شاید بهترین فرد برای ارضا اجزای مقاصد محمدرضا بود. هویدا ووزرایش، در حقیقت نوکران شاه بودند و از خود شخصیتی نداشتند؛ دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، شاه بیشتر با کسانی همراهی می کرد که با سیاست‌ها و افکار او تضادی نداشته باشند. هویدا در دسته این سیاستمداران قرار می‌گیرد؛ سیاستمداری که خود را چاکر می‌نامید. او در جایی اذعان کرد: اینجا مثل شرکتی است که شاه رئیس آن است و من مدیر عامل محسوب می‌شوم!… البته بخشی از مطیع‌بودن هویدا، به زیرکی او برمی‌گشت. هویدا موفق شد تا به داخل سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی نفوذ کند و مخصوصا تلاش کرده، از گزارش‌های آنان برای کنارزدن رقبای احتمالی خود استفاده کند. به‌این ترتیب توانست مخصوصا در



امیر عباس هویدا در دوران نخست‌وزیری

اسدالله علم در روزنگاشت ۳۰ آبان ۱۳۵۵:
«شاه ادامه داد: راستی چرا هویدا، این قدر با شخصیت‌های قوی خصومت دارد؟ فقط حمایت من موجب شده که کسانی چون منصور روحانی و هوشنگ انصاری، مقام خود را در دولت حفظ کنند. اگر هویدا توانسته بود، از مدت‌ها پیش آنها را از کار برکنار کرده بود. پاسخ دادم که نخست‌وزیر، آدمی ضعیف‌النفس و قلدرمآب است. از آن گذشته چنان که هر دوی ما می‌دانیم خواجه هم هست، با وجود این خواجه‌ای است که استاد دسیسه‌بازی است، شاه در پاسخ گفت: احتمالا حق با شماست…»

سال‌های آخر سلطنت، برج‌عاجی در اطراف شاه به‌وجود آورد. می‌کوشید به او تلقین کند که همه چیز روبره‌ها است، همه‌چیز بی‌عیب و نقص است، همه‌چیز در حال بهبود و پیشرفت است! او وار تشدید نصیری رئیس ساواک، در اجتناب از تکدر خاطر ملوکنه همدست بودند. این ویژگی، هویدا را به فردی تبدیل کرده بود که شاه را بر قیاق آرامش می‌نشاند تا سیاست‌های خود را پیش ببرد…».

از سوی دیگر نگره شاه و وزیر دربار وی اسدالله علم به هویدا نیز درخور توجه می‌نماید. علم در روزنگاشت یکشنبه ۳۰ آبان ۱۳۵۵ آورده است: «شاه ادامه داد: راستی چرا هویدا، این قدر با شخصیت‌های قوهی خصومت دارد؟ فقط حمایت من موجب شده که کسانی چون منصور روحانی و هوشنگ انصاری، مقام خود را در دولت حفظ کنند. اگر هویدا توانسته بود، از مدت‌ها پیش آنها را از کار بر کنار کرده بود. پاسخ دادم که نخست‌وزیر، آدمی ضعیف‌النفس و قلدرمآب است. از آن گذشته، چنان که هر دوی ما می‌دانیم، خواجه هم هست. با وجود این خواجه‌ای است که استاد دسیسه‌بازی است. شاه در پاسخ گفت: احتمالا حق با شماست… ایدا مطمئن نیستم منظورش از طرح این مسئله چه بود، با اینکه چرا اصلا این موضوع را مطرح کرده بود. شاه به قدری پنهان‌کار است که هیچ‌کس نمی‌تواند استدلال او را لحاجی کند. آیا در فکر تغییری در دولت است؟…».

در غایت ماجرا، هویدا، فدایی میل به بقای پهلوی دوم شد. کار تر با سیاست تعدیل شده آمد و او را مجبور ساخت تا راجل رنگ و رورفته حکومت خویش را تغییر دهد. شاه برای تغییر ظاهر، به تغییر هویدا دست زد و جمشید اموزگار را به جای وی گمارد. سید مرتضی حافظی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، در این باره آورده است: «هرست در همان روزهای که شاه با وی‌سوسه برکناری هویدا دست‌وپنجه نرم می کرد، هویدا به‌غلط می‌پنداشت که به حمایت خلل یابد.یزر شاه مستظفر است، غافل از اینکه شاه برای نشان‌دادن حسن نیت خود به نیروهای مخالف داخلی و خارجی لازم بود کسانی از رده‌های بالای نظام را قربانی کند که این بار فرقه به نام هویدا افتاده بود، اما تغییر هویدا از نخست‌وزیری بیش از پیش شاه را در گرداب حوادث افکند. شاه فکر می‌کرد که با تغییر نخست‌وزیر می‌تواند به مقدار زیادی از فشارهای داخلی و خارجی بکاهد، غافل از آنکه تغییر نخست‌وزیر، هویدا، بی‌ثباتی و تزلزل رژیم شاه را اثبات و سبب تحولات و حوادثی را که منجر به بروز انقلاب اسلامی در ایران شد تسریع کرد…».

«مستندات این یادداشت، از تازمانی پژوهشکده تاریخ معاصر ایران اخذ شده‌است.



نوخوانشی از زمانه و کارنامه امیرعباس هویدا، بر بنیاد اسناد

صدارت ۱۳ ساله، به مدد «تبعیت محض»

در انتظار عمومی چندان شناخته‌شده نبود، اما به لحاظ انتساب به عین‌الملک و فراماسونری، در میان جریان حاکم نامی آشنا قلمداد می‌شد. همانگونه که

اشارات رفت، هویدا پیرو فرقه بهائیت بود و بسیاری از اعضای کابینه‌اش را نیز افراد بهایی و ماسون تشکیل می‌دادند. هویدا در طول صدارت، ۲۴بار اعضای کابینه خود را تغییر داد اما در پی دومین تغییر، نام کابینه غارتگران به آن تعلق گرفت.اعضای کابینه هویدا، معمولا به‌دلیل هزینه‌گردهای خویش، مورد پرسش و بازخواست قرار نمی‌گرفتند. تصدی ووزارتخانه‌های امور خارجه، کشاورزی و نیز سازمان انرژی اتمی نیز در دست کسانی قرار گرفت که به بزرگ‌ترین اخلاص‌ها متهم بودند. هویدا در ظاهر برای بازی با اذهان عمومی، هر از گاه نمایشی از مبارزه بافساد اقتصادی برپا می‌ساخت اما در واقعیت، هیچ‌گاه بازخواستی جدی از اخلاص‌گران صورت نمی‌گرفت نه‌اینجا مفساد اقتصادی کابینه او به محاق فراموشی می‌رفت، او چندین بار و به‌صورت نمایشی، در سال‌های ۴۰و ۵۴استعفا کرد اما مجدداً از سوی محمدرضاپهلوی، مأمور تشکیل کابینه می‌شد.آخرین ترمیم کابینه هویداست. در آبان ۱۳۵۵ صورت گرفت و دولت او تا ۱۳۵۶ ادامه آورد.

مأموریت‌های کلان هویدا در مسند صدارت
با مرور کارنامه امیرعباس هویدا، درمی‌یابیم که وی در دوره طولانی صدارت خویش، مأموریت‌های اعلام‌شده‌ای به قرار ذیل داشته است:

۱) تغییر قانون اساسی و دستیابی فرح دیبا به نیابت سلطنت. رژیم پهلوی از این طریق، برای فرح دیبا، مقامی قانونی ایجاد کرد. این امر انتقادات برخی سیاست‌پویان و حقوق‌دانان را در پی داشت که هویدا در جهت ساکت نگاه‌داشتن آنها، تلاش فراوان کرد و سپس به اندیشه تصرف کامل قوه قضاییه در آمد اما نتوان تأثیر جهت‌گیری معلمش، علاقه‌مند به فرهنگ

۲) دست‌یازی گسترده درآمدهای کشور. هزینه‌کرد پنهان و بی‌رویه بیت‌المال، شاخصه روزگار صدارت هویدا، بی سابقه می‌نماد. در دوران نخست‌وزیری او، روزانه هشتاد میلیون بشکه نفت فروخته می‌شد که هویدا آن در میان عناصر و جریان‌تابسته به حاکمیت، تقسیم می‌شد. این فروش به رقم ۲۴میلیارد نیز رسید، درحالی که روز بروز اختلاف طبقاتی در ایران افزایش می‌یافت.اسران دولت در ظاهر، برای احداث سد، فرودگاه، جاده، کارخانه و… هزینه‌هایی هنگفت در نظر می‌گرفتند، درحالی‌که نهایتاً اغلب آنها احداث نمی‌شدند.در این میان اما،دولت هویدا به‌اخذوام‌های سنگین از بانک‌های خارجی میبادرت می‌کرد که تنها تعهدات ایران را سنگین‌تر و شرایط اقتصادی مردم را، دشوارتر می‌کرد.

۳) پیشینه‌سازی موهوم برای رژیم پهلوی. دولت هویدا موظف نبود تا برای حکومت پهلوی، مبنای نظری و تاریخ موهوم دست و پا کند.امین از وی رای برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ساله شاهنشاهی، در این دوره انجام گرفت. در این ففروه اسراف و تبذیر تا آن پایه بود که نشریات باحیثیت‌های نیزان به انتقاد کشوندند. ایده اجرای این جشن‌ها را، اسرائیل در اختیار ایران گذاشت و خطوط اصلی آن را نیز هم‌و معین و تدوین کرد. هویدا تمام توان خویش را، در خدمت اجرای نظام و صادق‌چوبک منتشر ساخت. پس از انتصاب منصور به نخست‌وزیری، هویدا به عنوان وزیردارایی در کابینه وی انتخاب شد و به‌سستی این وزارت‌خانه را نیز بین ابواب جمعی خود تقسیم کرد.هویدا در این دوران، مجری بی‌چون و چرای حلقه‌هاروارد بود که از سسوی آمریکا نظارت بر ایران را، برعهده داشت.

هویدا در مسند نخست‌وزیری

بعد از اعدام حسنعلی منصور در بهمن سال ۱۳۴۳، امیرعباس هویدا نخست‌وزیر ایران شد. اگر چه هویدا

تاریخ



امیرعباس هویدا در دستپوشی از محمدرضا پهلوی، در بازگشت وی از سفرها

تاسیس شد. در این مقطع، کشورمان عرصه تاخت و تاز گروه‌های رگارتنگ فراماسونری شد.

سیاست خارجی دولت هویدا

در مقطع صدارت هویدا، میدان برای تاخت و تاز انگلیس و آمریکا در ایران، بس توسعه یافت.اوج این پدیده‌را، می‌توان در جدایی‌بحرن (استان چهاردهم ایران) از خاک ایران دید. روابط ایران و آمریکا در این دوران، در صمیمی‌ترین وضعیت خود قرار داشت.

پس از انتخاب ریچارد نیکسون به ریاست جمهوری، حمایت‌های آمریکا از محمدرضاپهلوی افزایش یافت و با تلاش‌های هویدا، ایران تبدیل به حیاط خلوت آمریکا، به‌منظور بهره‌گیری از تمام امکانات بالقوه آن شد. در این دوره، همکاری ساواک با سائیز به اوج خود رسید و شاه میزان زیادی از ثروت نفتی کشور را، در قبال خریدهای غیر لازم اسلحه از آمریکا به هدر داد.اقتصادمیت آمریکا بر ایران آنچنان توسعه یافت که تعداد مستشاران آمریکایی با خانواده‌هایشان، از ۵۰هزار نفر فراتر رفت! آمریکا ایران را به بازار فروش کالاها و اجناس خود تبدیل کرده بود و دولت هویدا مقادیر فراوانی کالای آمریکایی، وارد کشور می‌کرد. همچنین ایران به دستور او بریکار در قامت تأمین‌کننده انرژی دولت اسرائیل ظاهر شد. هویدا در دوران زمامداری خود و با اراده دولت آمریکا، ارگان‌های رسمی کشور را ملزم به گسترش و تعمیم سبک زندگی غربی و فساد اخلاقی می‌کرد.

دولت هویدا و حکومت اسرائیل

هویدا با اسرائیل الفتی دیرینه داشت؛ چرا که این کشور برای نخستین بار، بهائیت را به رسمیت شناخت. فروش مضافت نفت ایران به اسرائیل، از سرفصل‌های رویکرد اقتصادی دولت وی قلمداد می‌شود. ساواک پس از کودتای ۲۸مرداد ۱۳۳۲، توسط آمریکا در ایران تشکیل شد. جارت سازمانی وظایف این سازمان را، آمریکا و انگلیس تهیه کردند.هویدا با کمک گرفتن از نیروهای موساد، سربازان این سازمان را تعلیم داد و

۱) تغییر قانون اساسی و دستیابی فرح دیبا به نیابت سلطنت. رژیم پهلوی از این طریق، برای فرح دیبا، مقامی قانونی ایجاد کرد. این امر انتقادات برخی سیاست‌پویان و حقوق‌دانان را در پی داشت که هویدا در جهت ساکت نگاه‌داشتن آنها، تلاش فراوان کرد و سپس به اندیشه تصرف کامل قوه قضاییه در آمد اما نتوان تأثیر جهت‌گیری معلمش، علاقه‌مند به فرهنگ



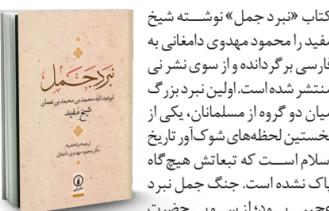
امیرعباس هویدا در حینیکه برای دیدار با هیئتی از جمهوری آمریکا در تهران، در حال سخنرانی است.

عامل اصلی محاکمه و اعدام هویدا، پهلوی دوم بود که وی را بازداشت کرد و از کشور خارج نکرد. برخی دوستان اسرائیلی، انگلیسی و فرانسوی او با تشکیل کانون دوستداران هویدا، تلاش کردند تا وی را نجات دهند اما در نهایت توفیقی نیافتند. اوچ نگون‌بختی تلاش کرد تا به انحای در نهایت توفیقی نیافتند. هویدا در اوج نگون‌بختی تلاش کرد تا به انحای مختلف توجه شاه را جلب کند. اما «خدا یگان» او در ۱۸ فوروردین سال ۱۳۵۸ اعدام و پس از ۳ماه، جسد او مدفون شد.

سه‌شنبه ۴مرداد ۱۴۰۱
شماره ۸۵۵۲

تاریخ اسلام

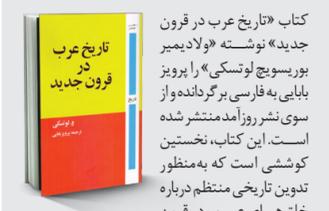
نبردجمل



کتاب «نبرد جمل» نوشته شیخ مفید را محمود مهدوی دامغانی به فارسی برگردانده و از سوی نشر نی منتشر شده است.اولین نبرد بزرگ میان دو گروه از مسلمانان، یکی از نخستین لحظه‌های شوک‌آور تاریخ اسلام است که تبعاتش هیچ‌گاه پاک نشده است. جنگ جمل نبرد عجیبی بود؛ از سویی حضرت امام‌علی(ع) در مقام خلیفه و پیشوایی است که در آن مقطع یعنی سال ۲۶هجری، از سوی اکثریت مسلمین خلیفه منتخب مردم بود و امیرالمؤمنین خوانده می‌شد و از سوی دیگر یکی از همسران پیامبر اسلام(ص) حضور داشت و دوتن از مهم‌ترین صحابه پیامبر(ص) یعنی طلحه و زبیر.این مواجهه عجیب و دور از ذهن به جنگی منتهی شد که «جمل» نام گرفت. جنگی که در روایت‌های مختلف سنی و شیعه ۱۵ تا ۲۵هزار کشته بر جای گذاشت و جمع بزرگی از بهترین اصحاب پیامبر در آن جان باختند. درباره این جنگ عجیب و سرنوشته‌ساز و چرایی آن، کتاب‌ها و روایت‌های بسیاری نوشته و نقل شده که کتاب «نبرد جمل» نوشته شیخ‌مفید، یکی از مهم‌ترین آنهاست. شیخ مفید که سبقه تحقیق و تفحص و دقت نظرش شهره عام و خاص است، در این کتاب نیز با وسواسی بی‌نظیر، همچون مورخی تام‌وتمام، ماجرای شکل‌گیری این جنگ و سرانجامش را نقل کرده‌است. نبرد جمل، یکی از مهم‌ترین منابع باقی‌مانده پیرامون این واقعه مهم صدر اسلام است و از هوش و حساسیت شیخ‌مفید بر آمده که به دلایلی کاملاً متقن و مسلم، نوشتن درباره این جنگ را وظیفه خودش می‌دانسته و نه جنگ‌های دیگری همچون صفین و دیگر جنگ‌های دوران امیرالمؤمنین(ع)

تاریخ اعراب

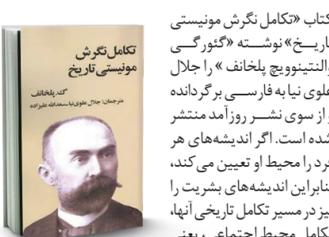
تاریخ عرب در قرون جدید



کتاب «تاریخ عرب در قرون جدید» نوشته «ولادیمیر بوریسویچ لوتسکی» را پرویز بابایی به فارسی برگردانده و از سوی نشر روزآمدمنتشر شده است. این کتاب، نخستین کوششی است که به‌منظور تدوین تاریخی منظم درباره خلق‌های عرب در قرون جدید در ادبیات روسیه با شوروی به عمل آمده است. (ولادیمیر لوتسکی) در سال‌های ۳۰قرن بیستم به بررسی تاریخ ازمنه جدید ممالک عرب پرداخت که البته به‌عنوان یک رشته پژوهش‌های تاریخی مربوط به ممالک عرب در شوروی به‌شمار می‌رود. این کتاب، از محمدعلی پاشا و جنگ‌های او، قیام‌های عربی پاشا، سیدجمال‌الدین اسدآبادی و شیخ‌محمد عبده و دیگران، پیکار ضدفرانسوی اعراب الجزایر به رهبری امیر عبدالقادر، قدرت‌گیری وهایی‌ها در عربستان و قیام‌اعراب در نخستین جنگ جهانی و سرانجام سودجویی بریتانیا از جنبش مهیونتوسی و مقدمات تاریخی بحران فلسطین سخن می‌گوید و… ولادیمیر بوریسویچ لوتسکی، مورخ شرق‌شناس و عرب‌شناس روسی است. او در خانواده یک کارمند بانک به دنیا آمد. وی در سال ۱۹۲۳ (درحالی‌که دانشجوی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه ریوستوف بود دستگیر و از اتحاد جماهیر شوروی(سابق) تبعید شد. انتشارات روزآمد کتاب «تاریخ عرب در قرون جدید» نوشته «ولادیمیر بوریسویچ لوتسکی» را به بهای ۱۵۵هزار تومان منتشر کرده‌است.

تاریخ جهان

تکامل نگرش مونیستی تاریخ



کتاب «تکامل نگرش مونیستی تاریخ» نوشته «گئورگس والتنیوویچ پلخانف» را جلال علوی‌نیا به فارسی برگردانده و از سوی نشر روزآمد منتشر شده است. اگر اندیشه‌های هر فرد را محیط او تعیین می‌کند، بنابراین اندیشه‌های بشریت را نیز در مسیر تکامل تاریخی آنها، تکامل محیط اجتماعی، یعنی تاریخ مناسبات اجتماعی آنها تعیین می‌کند.در نتیجه اگر بخواهیم تصویری از «پیشرفت خود انسان» در رسمیم کنیم و اگر در این کار دست و پای خود را با سؤال «چگونه؟» ننندیم (پیشرفت تاریخی خرد چه مسیر خاصی را پیمود؟). و این سؤال کاملاً طبیعی را از خود برسیم که «چرا؟» (چرا این پیشرفت درست به این شکل و در این شکل انجام شد؟) باید حتماً تاریخ محیط، یعنی تاریخ تکامل مناسبات اجتماعی آغاز کنیم. بنابراین باید به‌حال مرکز نقل پژوهش خود را در مراحل نخستین درجهت بررسی قوانین تکامل اجتماعی منتقل کنیم. در این گفته هم کمترین شکی نیست که مردم آن نظام اجتماعی را که با کلیه نظراتشان مغایر باشد تحمل نمی‌کنند. آنها بر ضدچنین نظمی قیام می‌کنند و آن را مطابق با ارمان‌های خود، بازسازی می‌کنند.گئورگی والتنیوویچ پلخانف، نویسنده، فیلسوف و انقلابی روس و بنیانگذار جنبش سوسیال‌دمکراتیک در روسیه بود که در مواجهه با آزار و شکنجه سیاسی، سال ۱۸۸۰ به سوئیس مهاجرت کرد و در آنجا به فعالیت سیاسی خود در تلاش برای سرنگونی رژیم تزاری روسیه ادامه داد. در طول جنگ جهانی اول، پلخانف به دفع نفوذ تهای آنتانت علیه آلمان متحد شد. وی در ۱۸ فوروردین سال ۱۳۵۸ اعدام و پلخانف در ۱۹۱۸ چشم از جهان فرو بست.